

خیلواکی



استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

چهارشنبه ۱۲ می ۲۰۲۱

ملالی موسی نظام

## در پای زیارت حضرت «\*» مولانا جلال الدین محمد بلخی «رومی»

**مقدمه:** گرچه در بازگشت از سفر خاطره انگیز و فراموش ناشدنی به دیار عالم ملکوت که خوشبختانه چند سال قبل نصیب این قلم گردید، سطوری که باز هم تقدیم خوانندگان ارجمند می گردد، در قسمتی از مطبوعات افغانی اقبال نشر یافت، ولی یادی از آن صوفی دانشمند در هر زمانی به روح و روان آدمی صفا و جلا میبخشد. در طول حیات انسان جریاناتی رو نما میگردد که پیش بینی آن در توان نمی باشد، چنین بود خوش

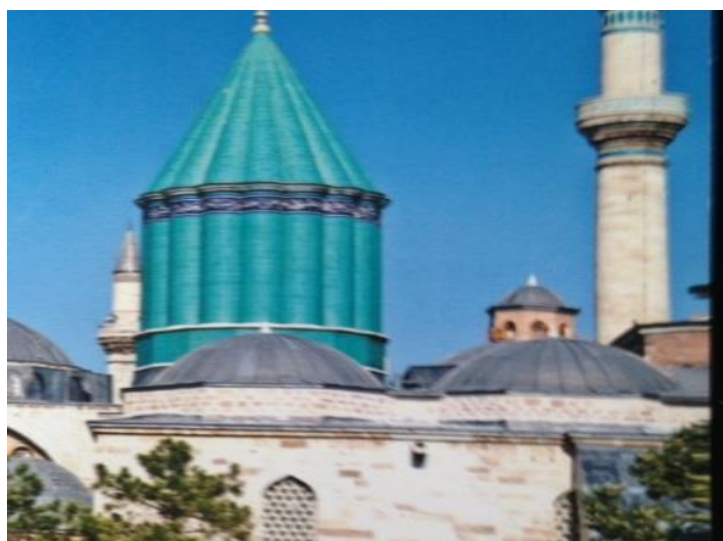


هفت پند از حضرت مولانا که هادی بشر در نجات از گمراهی است

قسمتی ای که با مسافرت در آن سر دنیا، از زیارت حضرت مولانای بلخ به این جانب دست داد. از باور به دور بود که در آن روز مستربار، من بودم و سری از خضوع و خشوع در آستان آن صوفی و عالم بزرگوار عالم بشریت.

زمانیکه بس سیاحین ما را در مقابل دروازه باغ پر گل و باصفای زیارت مولوی در شهر «قونیه» در ترکیه مرکزی پایین نمود، مثل اینکه سرا پا در بلوری از یخ قرار گرفته باشم، حیران و بیحرکت به عظمت بنایی که آن بزرگوار سفر کرده ای دور از وطن را در آغوش داشت، خیره شده بودم. احساسی که از حضور در آن هوا و فضای استثنایی داشتم، مخلوطی بود از خوشی و اندوه... هر دو گنگ، هر دو بی سابقه و غیر قابل تعریف. این طالب العلم همانطور که بیدل شناس نمیباشم، مولانا شناس هم نیستم، ولی باید اعتراف نمایم که همان اندکی را که در طول زمان از هردو بزرگوار آموخته ام، کافیتست که بر مقام و منزلت شان به باورمندی سر تسلیم فرود آورم.

زائران زیارت حضرت مولانا را بیشتر مردم از هر منطقه تشکیل میدادند که با ارادتمندی و اخلاص از همه قسمت ها در داخل زیارت دیدن نموده و در جایگاه مخصوصی، عبادت و نماز بجا می آوردند. البته تعداد توریستی که از آن بنای اسلامی ارزشمند به خاطر شهرت جهانی و فلسفه ملکوتی حضرت مولانا «جلال الدین محمد بلخی» و ملحقات مزار وی دیدن می نمایند، از حساب و شمار



نمایی از آرامگاه و زیارت مولانا جلال الدین بلخی در قونیه

بیرون است، گروپ های سیاحین باید حتماً توقفی در شهر «قونیه» و زیارتگاه و آبدۀ تاریخی و اسلامی فیلسوف نامی مشرق زمین بنمایند. در حالیکه خود شهر چنان مناطق دیدنی نداشت، ولی

تعداد بس های سیاحین از ممالک مختلفه که مقابل زیارتگاه یکی به دنبال دیگری صف می کشیدند، واقعاً که غیر قابل شمار بود. دروازه ورودی به صحن باصفایی باز میشد که در سمت چپ عمارت، زیارت حضرت مولانا با عظمت و جلال در حالی قرار داشت که بالای دروازه ورودی با خط زرین به نستعلیق نوشته بود:

**«یا حضرت مولانا»**؛ مقابل آن فواره ای از سنگ مرمر سفید، هدیه سلطان سلیم دوم، شاه عثمانی ساخته شده بود. بطرف راست بر علاوه مسجد جامع شکوهمند و بزرگ، اطاق های **«درویشان»** و موزیم وابسته به کیش و طریقت مولانای روم، جایگاه خاص موزیک و قرائت خانه ها، اطاق مختص به **«مثنوی»**، بنا یافته بود که همه با تشریحات تعلیمی مکمله به السنه مختلفه قرار داشتند. در سمت مقابل، **«مطبخ شریف»** که قسماً آشپز خانه وسیعی را در بر می گرفت و زیر همان سقف و در ارتفاع بلند تر از آن، اطاق مصفا و بزرگی هم مختص برای **«درویشان»** و نحوه نمایش ملکوتی **«رقص سماع»** آنان بود که با آلات موسیقی، بصورت جالب تزئین شده بود.

در داخل آرامگاه **«حضرت مولانا»** آن توانای عالم معنی، درحالیکه مرقد وی در جوار پدرش، **«سلطان العلماء شیخ بهاء الدین»** با پوششی که تحفه زوار معتقدی بوده و با رنگ یشمی مائل به سبز با خامک دوزی طلا کاری و ظریف مزین گردیده بود، با دو عدد دستار سفید و کلاه سبز خاص، بر روی آن به چشم می خورد. پایین تر، مقبره پسر مولانا **«سلطان ولد»** قرار داشت که نامبرده در تنظیم آثار و ترتیب زیارت پدر سعی بلخی بخرج داده است. بقیه صحن بزرگ زیارت را در داخل، قبور فامیل، پیروان و نزدیکان تشکیل می داد. دیوار های بزرگ از هدایا و تحف شاهان، خطاطان و ارادت مندان به آن صوفی نامور، حضرت مولانا **«جلال الدین بلخی»**، با آیات قرآنی و دعا و ثنای اسلامی در چوکات های زرین، زینت یافته بود. در اطاق پهلویی، آثار استثنائی، مقدس و وابسته به حضرت مولانا در الماری های شیشه یی تنظیم گردیده بود. در جوار چندین نمونه آثار خطی زرکوب مانند جلد های مختلفه قرآن عظیم الشان، چشمم با ناباوری و تحسین به **«دیوان کبیر»** افتاد که با عظمت خیره کننده ای حاشیه های آن با مهارت و ظرافت طلا کاری گردیده و در حالیکه متن آن با خط نستعلیق زیبا تحریر یافته بود، از زیر شیشه درخشان الماری در صفحه اول خوانده میشد:

بشنو از نی چون حکایت میکند      و از جدایی ها شکایت میکند  
کز نیستان تا مرا ببریده اند      از نفیرم مرد و زن نالیده اند  
سینه خواهم شرحه شرحه از فراق      تا که گویم شرح درد اشتیاق

چند کیلومتر دور تر از زیارتگاه مولانا، عمارتی برای «نیایش درویشان» اختصاص داشت که الحق دیدنی بود....موزیک با نوا و همان ناله سحر انگیز و غم آلود «نی» در فضای نیمه تاریک که با تلاوت آیاتی از قرآن عظیم الشان همراه میگردید، به صحنه کیفیت و وقار خاصی میبخشید.



### محفل نیایش درویشان و رقص سماع

اگر گویم که انسان را در حالت خلسه و نیمه بیداری فرو برده و با حرکات متوازن رقص خاص «درویشان - سماع» مغز و روح کاملاً تخدیر می گردید، گزاف نیست. در چنین محفل عرفانی، تعداد سیاحینی که از ممالک مختلفه منجمله شرق دور و اروپا شرکت داشتند، با سکوت و احترام خاصی به حرکات و موزیک آرامش بخش کاملاً مجذوب گردیده بودند، تو گویی از خود برون گشته و به عالم کمیاب و ملکوتی ای پیوسته اند.

باید متذکر گردید که یکی از خصائص برگزیده این عالم معنی و دانشمند عالی مرتبت وطن، باورمندی وی به اصالت روح و قلب و صفای ذاتی انسان نیک سیرت می باشد، تا حدی که وی با تمام خلوص و اعتقادی که به دین و آئین خویش داشت، به حضور ذات اقدس الهی در قلب و روح بشر، بیشتر معتقد بود، تا عالم بیرونی. درین احوالی که سالانه ملیون ها مسلمان با مصارف هنگفت و غیر قابل باوری، از سر تاسر عالم رو به مکه مکرمه می آورند، او قرن ها قبل می فرماید:

ای قوم به حج رفته کجایید کجایید	معشوق همین جاست، بیایید بیایید
معشوق تو همسایه دیوار به دیوار	در بادیه سرگشته، شما در چه هوایید
گر صورت بی صورت معشوق ببینید	هم خواجه و همخانه و هم کعبه شمائید

\* مولانا جلال الدین محمد بن شیخ بهاء الدین محمد بن حسین بلخی «۶۷۲-۶۰۴ هجری قمری».